

پسر گمشده
پدر بخشنده



لوقا ۱۵

وقتی پسر به خانه باز می گردد ، پدر می رود تا بغلش کند بدون اینکه از او چیزی بپرسد و یا توضیحی بخواهد. پدر برای او جشنی می گیرد زیرا رحمت خدا از امیدهای ما بالاتر است .

اما خدا برای اینکه ما را ببخشد احتیاج دارد که به سوی او برگردیم .

برای همه جا هست

اما پسر بزرگتر که همیشه با پدر مانده و هیچ وقت جشنی برایش گرفته نشده ، می توان حسادت او را درک کرد. در واقع این پسری که همیشه با پدر بوده ، خیلی بیشتر از یک جشن برایش شده است ، چون هر چه پدر داشته مال او بوده است .

شاید این پسر نفهمیده بود که پدرش او را خیلی دوست می داشت ...

زیرا که پدر همه انسانها را به یک اندازه محبت می کند اما این محبت را در زندگی هر کس به یک شکل نشان می دهد.

با این داستان عیسی به ما می گوید که خدا هر کدام از ما را می بخشد ، چون بسیار دوستانه دارد.

همیشه وقت بازگشتن و توبه است

در این داستان "پدر" همان خدا است . پسری که خانه را ترک می کند ، هر کدام از ما هستیم ، وقتی از خدا دور می شویم .

عیسی می خواهد به ما نشان دهد که خدا مثل یک پدر خیلی پر محبت و دست و دل باز است که وقتی فرزندش تصمیم به برگشتن و توبه می گیرد بسیار شادمان می گردد.

گمشده و بازگشته

وقتی پسر خانه را ترک می کند ، در داستان آمده است که پدر جلوی او را نمی گیرد. البته پدر از دوری فرزندش بسیار ناراحت و نگران است اما به دنبال او نمی گردد ، زیرا او را آزاد گذاشته است .